

شیخ الاسلامی فارس بخد متبش مریوع و بدر کشش نجیب طلبه آفاق مدنی در خدمت ایشان بذاکره و مسأله
 پروا ختم و طبیعیات شفا و آبیات شرح اشارات و خواشی قدیمه و جدیده و غیر آن از دستاورد
 نموده تا آنکه بیلده و شمارفته بر حمت ایزدی پوست و اسحق از نمازیر فضلای بو و فکری رسا و طبیح
 مستقیم و شگفته داشت در شعر عربی و فارسی و معنی و منشآت عربی و فارسی نهایت قدرت
 یافته بود و قصائد عربی در من ابیر المومنین علیه السلام دارد و بنایت بلنح گفته و در فارسی شعر
 شوخ دارد و معنی تخلص ایشان است انتمی بقدر الحاجة مولف گوید که بجز قصائد بلاغت آثار
 که در مع جناب بابت ین علم علیه السلام نظم فرموده این قصیده بدیعه بقر سیده و در مضمار
 سخنوری قصه ب السبق از اقران خود بوده چون مثل بر طائف اشارات و بدائع نکات بود

در نیجا ثبت نمود و قصیده

<p>ما أدبخت مذاد کبت للبین جیرانی جلدی حصیر ز فیری فی سلسله لله طیف شدات منه سجیرانی مانی وللنوم بعدا ما ابتلیت به عینی کعین وشاهها بالهوی تروح یا حادی الوردک یلغت المنی جمعا عج بالحرد قریبا من مخیمهم بما سانشده لا خاب سعا کا الی الانین علی عطفیک صبانے مهلا فذک حیاتی ست عطشاننا من طول ما ارتق عینای لی خبیل شفا لجوی حبه حنت بما کیدی</p>	<p>یا صاحبی بانلانی ا حیرانی من المجون شجون السجن محجانے نکاتر الشهد عن ذکراه الها نے وهل یزود الکرمی بالکر اجفانے فدام نهتانه غسلا لتهتلے اذا تدا نیت من حی بعسفان وحدائهم بارمانی و اشجانے غازل عذرا یزجی بین غزلان ورق تکر را جمعا علی البان الی مظلک ظل اللعطا شانے تمار الکی باتت فیه حضانے ماللدموع رماها والتدی فان</p>
--	---

<p> بمهرتي بجاكي الداع ثقب انت عن الرسول باخلاص وايقان شبه الخنادس اذ فحق بنيران بقتل احمد معصره عاميდან اسرارهم خوف ايصايد واذان وقد مضى قبل لغير الحكم يومان سوا اذ حفت من افضل بنيران لولا له لم يفهموا اسرار فرقات لولا له ما اتقدت منسكوه ايمان لولا له لم يفترن بالاول والثاني لولا له ما كان في غير جمعان اذ ليس يشعرا منان عن الشان فطاهر البيت من اسراجا من ايمان سواء هديان ان من سمي بن عمران فحصار وطيبة ابناء الكرميان يرزاق له من تاجير ووا حسان ايده الامير عليه عز من شان استنانه شهو مع الطوبى كصنوان حسد اللالي بالاهل كنيسان اولم يقبل حسب ثقتي يوم طوفان </p>	<p> سواه حامي رسول الله يطعنهم بالسيف والرمح ولا نضاح افهم حق تبدا اهل الشرك وانهموا والقوم لبشر فهم ابليس من كذب فارتاح انفسهم سرا وما انجوا وهل تصدق للتجوى سواه فتي هل في فراش رسول الله بان فتي لولا له لم يجيدوا كفوا الفاطمة لولا له كان رسول الله ذا عظيم لولا له لم يكسفت الدين ذاعيد لولا له ما خلقت ارض ولا فلك لولا له ما عبد الرحمن في مسالذ ما كان ربا ولكن ليس من بيث هو الذي كان بيت الله هو لولا هو الذي من رسول الله كان له هو الذي صار عرسه الترفيا شفق افدامه سمحت ظهرا به مسكت يا وارضعا فدايه حيثما وضعت عمت شايبيه الافاق ان شجرا تفيض راحت للناس مججلة رحب الاكف اذا قاضت انامله </p>
--	--

<p>لو ظل تحت لواءه في الوفا علم ما استقر الراسي تحت صارمه لولا الوصية فالشيخان اربعة في اعجاب من دنيا وعادتها من كان نص رسول الله عيئنه بين الجاهدين في بيده اعمد ملت وقال صحب رسول الله وطبة من بعد شد الرحمن امرته فقال بلغ والا فادر انك ما تقدمته اناس ليس عيئهم حتى اذا جدها لاجدان نعتهم من بعد ذلك بن هنة قامه عيا من امه جهلت ممن به حملت لا ضحك الله سن الدهران له</p>	<p>تراه ترجح حيوانا مميذا ان كالطور تترك من ايس وبنيات يوم السقيفة والعتمان قسار ان لا يساعدا غير الوعدا والة ان لامرعة الشرع تبليغا باعلان لكل من كان في اعتقابه عنه ناك بخ لذك و كان اول الثالث على الرسول باحكام واقفان بلغت رسالاته وتبيلان نص الاله ولا منطوق برهان بين اليهود بتحقيق وخة لان مؤهنا امره من زار عثان اهل الخذلانة بين الانس والجان ترايه اعتدات عن كل سيران</p>
--	---

الشيخ محمد جعفر بن عبد الله المكي الاصفهاني شيخ عبد النبي قزويني در تكملة
 اهل الامل آورده كه شيخ محمد جعفر مذکور و اما واقا حسين نونسا ري است و در استنباط
 اول ابهده قضا قيام داشت و بعد ازان منصب شيخ الاسلامي باو تفويض يافت و صاحب تكملة
 انچه در روح او آورده مجلي ازان ايست كه وي فاضلي بود محيط باطراف فضل و كمال و تحريري
 فائق و تقريري لائق و اعاطه تام با انواع علوم و تحقيقات و تدقيقات شريفة داشت و از هر علم
 حظ وافرو بهم عالي يافته در معاصر بن مثل نظر خود داشت و صف كمال انش غير ممكن است و منصب قضا را

برضایابی رضا اختیار نمود و موافق قول خدا و رسول خدا و انتم بدی حکم میفرمود و با جمله مبالغه
 بسیار در ابطال باطل و در یافتن حق می نمود و چون بسفر حج رفت در مسجد جامع تشریف
 برد و در جای مواعظ فرمود که ایها الناس علیکم برکسی کرده ام بعد از آنکه قطع و یقین داشتیم که همین
 حکم خدا و بگزینان حق نگردد ام اما کسی که حق او یا مال او ضایع شد باشد سبب آنکه وقت ننگوان
 کرده ام یا بر من ثابت نشود و روافع حق او بود پس او مرا ببخشد و عفو کند از اقصایف اوست
 حاشیه بر شرح نامه کتاب التجارة و حاشیه بر کتاب الاقرار شرح لمعه و دیگر جوایز متفرقه شرح
 لمعه و دیگر رساله فائز، رکعت طبعی و الهی و در اثنا می سفیر حج سفر آخرت را اختیار فرمود
 و مصداق آیه شد بینه و من یشرف من بیتها جزا الی الله ثم یدرکه الموت فقد اجده
 الی الله گردید و استاد ما میرزا قوام الدین محمد قزوینی در وفاتش مرثیه گفته در آن تاریخ وفات آن مرحوم
 ذکر کرده است انتی کلامه لخصاً الایم و الفقار الی الله الی انفا غنل زمان و اکابر تلامذة بسلامی
 اقا حسین خونساری بود و از آقای موصوفت در سنه اربع و شصین بعد الالف اجازه روایت یافته
 در تذو و العیان فی تراجم الاعیان مرقوم است که امیر ذوالفقار الهه المانی کان قاضی
 عالماً عابداً زاهداً ذکب المعیاً لودعیاً جامعاً للعقول و المنقول - او یا الفروع و الاصول
 و سلامی اقا حسین موصوفت و را اجازه نمود که بنام امیر ذکوری فطمی فرموده باین الفاظ او راستوده
 انی بعد ما نشرنت برهه من الزمان بحجة الله تبارک و تعالی الی الله الی الفاضل الکامل
 المتوکل الزکی الاملعی اللودعی خلاصة الفضلاء - ذبابة الاذکیا - ذی الفطنة النقاد
 و الفطرم الوقادة جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول نعم سما -
 الافضال عرفة سیمار الکمال سنی سیف الوصی الکوار علی صلوات الله الملك الحبار
 الامیر ذوالفقار خلاه الله من کل شیئ و شنار و حلاه بكل ذین و فخراد و احلاه محل
 الابرار و اوصله مقام الاختیار و طال التردد الی و اکثر الاختلاف علی و اخذ
 منی طرقاً صالحاً من العلوم الشرعية و قرأ عنی شطراً من المعارف الالاد بیتی

والعقلية اخذ ايقان و تحقيق و قراءة تعمق و تدقيق التمسح من ان اجيز له اجازت
 من اياته من الاثار الماثورة عن ائمتنا المعصومين الماخوذة عن سيد الانبياء
 والمرسلين صلوات الله عليهم اجمعين المنتهية الى جبرئيل الامين المنتهية
 الى جناب رب العالمين تعالى شانہ وعظم برهانه وتقداست اسماؤه وتواترت
 الاوه فاجزت له الى اخر الاجازة موالانا ميرزا عليخان الكلپاچکانی در تذکره
 علی حزين سطورست جامع الفضائل الميرزا عليخان عليه الرحمة والعفوان اذا عاظم بله كلپاچکانی
 دارستفيا... رئيس العلماء اقا حسين خونساری بود و بفضائل صوری و معنوی ار استه ذهن
 و قيقش کشفات غوامض حقائق و سلیقه مستقیمه اش در برهمن باسحقاق و اسفلاان قانق تالیفات
 شریفه و فوائد ارحمند دارد و در شعر و انشا افاضات مآب و بغایت دقیق و نکته یاب
 بود و بنگامیکه از اصفيهان عزم کلپاچکان داشت بمنزل والد علامه اعلى السله قامه آمده روش
 چند مقام نموده و داع فرمود دوران ایام فقیه راسعادت حضور ایشان حاصل آمد و چند سال
 دیگر هم ببنای خاطر در کلپاچکان زندگانی نموده و در همان بلده بجهت جادوان انتقال فرمود
 هندی موالانا ظهير بن ملامراد تفرشی شيخ حزين در تذکره خود آورده المولى الممام
 ظهير الانام فاضل عالیه قام و ملک الکلام بود و خلف فاضل مرحوم ملامراد تفرشی است که از مشاییر
 علماء صاحب هوشی متداوله است بر کتب احادیث و اصول و فروع و غیر ذلک و خدام
 ظهير کاد حدت فهم و استقامت طبع و جامعیت فنون علمیه خصوصاً علم حساب و هیت و هندسه
 مرسومه و بین الافاضل بمتجر معروف و طبخش محک ناقص و کامل و نقاد راج و کاسد ورد و قبول اول
 سلم پیدا شدند و چون لطافت طبع و علوهیت و فضائل نفسانیه اش پایه کمال داشت بمعاضرت
 بنای عمده راضی نشد و از وسائل دنیوی معرض و بافاد و علوم هم چند ان التفات نگرده
 و شش منزل خود و خمول را پسندیده و زبید داشت بنا برین من الجمهوران تعرف و اشتها ریکه فرمایند
 ان از منزلت بوسیله خود نمائی و سعی و تلاش در حصول جاه و سعوت معاش داشتند و خدای تعالی

حاصل گشت و بالنسب و الفت درینه که باوال مرحوم این ناکسار داشت چون بمنزل ایشان رسید
 ایام و لیالی بحسب گذرانیدنی و فقیر از استفیاد آن مجلس عالی بودی در شعر و انشا و سخن سخن بجان
 و بظفرت بلند از نواد در زمانه بود و هفتی ملا عبد اللہ را در ویلی از تلامذہ استاد العلماء اقایین
 خوشایست و از آنجناب اجازه روایت داشته مولف تذکره العلماء در ترجمه اقا حسین خا
 بقرب ذکر تلامذہ آنجناب آورده که دیگر از تلامذہ اقا حسین موصوف فاضل کامل ملا عبد اللہ
 اردیلی است چنانکه از اجازه که بخط شریف او برای ملا مذکور بر بعض نسخ شرح لمعه مکتوب یافته
 ظاهر میشود و ملای موصوف از مولانا محمد باقر سزواری و اخوند ملا محمد باقر مجلسی علیهما الرحمہ
 تلمذ داشته چنانچه صاحب تذکره در ترجمه ملا محمد باقر سزواری بقرب تلامذہ او نوشته که دیگر از
 تلامذہ اش فاضل کامل دروغ المصی ملا عبد اللہ اردیلی است که کتاب شرح لمعه را تمام بر وقرات نموده
 و اجازه روایت از او داشت و همچنین اجازه ملا محمد باقر مجلسی از برای ملا عبد اللہ مذکور بر پشت نسخه
 مذکور مکتوب یافته شد اخوند ملا محمد گیلانی مشهور بسراب در سوانح عمری شیخ علی حزمین
 مسطور است که اخوند ملا محمد گیلانی مشهور بسراب از مجتهدین عصر و صاحب دروغ و زهد تمام بود
 و مدتاد در اصفهان متوطن شده با فاده مشغول بود و روزگاری میاد داشت باوالد مرحوم
 ایشانرا الفت و صداقت خالص بود و مگر فقیر خدمت ایشان رسید و تحقیق مسائل نموده
 و در کمرین رحلت نموده و در آن بلده مدفون شد انتی اخوند ملا محمد موصوف از تلامذہ ملا محمد باقر
 سزواری و اقا حسین خوشایست و از ملا باقر مذکور روایت حدیث دارد مولانا
 اقا رضا الاصفهانی خلف ارشد اخوند ملا محمد سابق الذکر است و در تذکره علی حزمین
 مسطور است که آقا رضا خلف مجتهد الزمان مولانا محمد گیلانی علیه الرحمہ مشهور بسراب چون
 والد مرحومش از توابع لایجان باصفهان آمد و متوطن گردید تولد ایشان در اصفهان شد
 در خدمت والد خود تحصیل علوم عربیه نمود و زنجبت تمام بانشا و شعر داشت و ابیات خوب
 از آن استماع شده سی سال گذشته باشد که رحلت نمود مولانا محمد شفیع بن فرح البجلانی

و الاضراب الساعی فیما یوجب النعیه الدائمہ فی المحل الاعلی الرفیع المولی الاعز
 الاکرم محمد شفیع و فقه الله تعالی اسلوک مناجح الساد و اعانه علی اقتناء
 ذخائر الاجر لیوم المعاد ان اجیز له من ایتها قاجبت مسئوله و اجزیت له
 ان یرویها عنی بطرفه الی الامام علیہ السلام و هی مشعبه الفنون و
 الضروب متکثره الاقسام و الشعوب الخ مولانا الحاج محمد الجیلانی
 الاصفهانی جامع کمالات رفیع و صاحب مقامات منیعہ بود تحصیل علوم و اکتساب
 فنون از مولانا محمد باقر خراسانی فرموده سلمی نجیر و فاضلی نحریر بود در شعبه تعلیم طب طبقت
 معاصر خود ملائمه باقر مجلسی بود شیخ علی حزین در تذکره خود آورده که از جمله افاضل که در عصر
 بملاقات ایشان رسید و ام جامع الکمالات حاجی محمد گیلانی است که از مشایخیر طلبه و بنیایت
 پسندیده خصال بود در اصفهان توطن اختیار کرد و در خدمت مجتهد مرحوم مولانا محمد باقر
 خراسانی که از اعظم علماء بود تحصیل نمود و در شعر سلیقه مستقیمه داشت مولانا مسیح الدین
 محمد الشیرازی از فقهای عصر خود بود و از علامه مجلسی صاحب بحار اجازت روایت داشته
 علامه موصوفت در اجازة مذکورہ در وصفش میفرماید اما بعد پس برگاه که بود مولای بزرگ
 و فاضل کامل و جامع نامحبت نحریریتوقد ذکی جامع فنون علم و صنوف کمالات حاوی قصبات
 سبق در مضامین سعادات زنده کننده مدارس علم با نفاس مسیحیه خود و آبپاری دهنده بانچهما
 فضائل را بجز بکار خود و فائق بر تمام بلغا از روی نظم و نثر و نحو صبح حرکت تا سالهاست دراز
 است مولانا مسیح الدین محمد الشیرازی بلغه الله غایة الامال و الامانی
 و بر رسیدن ف نمود روی مدنی از عمر شریف خود در اد تحصیل علوم عقلیه و ادبیه که بوجود آنها
 مزین میشد و انسان درین زمان مفاخرت میجوید بین الافران پس برگاه در رسید بنیایت بلند
 از مناقب و فضائل خود و دانست بدرستی که برای علم و در با هستند که بنییر اهل علم داخلین در با
 نتوان شدن و برای حق مصاحبانی که اخذ کرده نشود مگر از ایشان پس اقبال فرموده ما

اذنان و یقین برای تبع آثار حضرت سیدالمسئومین و تصفح اخبار ائمه طاهریین صلوات الله علیهم
 اجمین بود و آن داشت در آن جد و جود خود را و صرف کرد دوران محنت و کد خود را پس وقتکه
 مشرف شد به صحبت او تا زود و جدید بعد ازینکه میان من و او اخوت قدیم بود و آنرا از ^{مقدم} ^{مقدم}
 او نمودم در فنون عقلیه و علوم نقلیه یا نمم او را در یابی بی پایان از علم که حاصل آن ناپس بود
 و دیدم او را چه را به در تحصیل که کسی از و سابق تر نبود و نیست ترجمه آنچه که در وصف مولانا
 سید الدین گفته است استادش فرموده و ایضا در آن اجازه میفرماید نه آنکه زید فضل الهیاد
 ان یتاسی بسلفنا الصالحین و ینتظم فی سلك رواته ائمة الحق و الدین سلاما ^{الله}
 علیهم اجمعین امری بان اجیز له ما صححت لی روایتہ و اجازتہ فامتثلت امره
 لانی كنت اعتداه علی فی رضا انفلان و ان لم اکن اجدا فی لذلك أهلاً فاستخیرت الله
 تعالی و اجزت و ابحت الی آخر ما قال رضوان الله تعالی علیهما صد الدین محمد

بن عبد الحسیب بن احمد بن زین العابدین العالی العلوی الجبلی سید احمد بن
 زین العابدین که و اما در تلمیذ میر باقر و اما در علیه الزمه بود سید عبد الدین مذکور است
 شذ و العقیان در وصف و مدح او میفرماید السید السند المحقق المدقق الحسیب
 النسیب ذی لحسب الباهر و النسب الفاخر صد الدین محمد بن عبد الحسیب بن
 السید احمد بن زین العابدین العالی العلوی الجبلی کان عالماً فاضلاً دایت
 خطه علی کتب عدیده ککشف الحقائق و زبدة تاریخ کتابت اول مرشد

جمادی الثانی سنه ثلاث و مائة بعد الف محمد بن عبد الفتاح التتکابست
 المشهور بسبب از افاضل زمان خود بود تحصیل و استفادة علوم نوال خود فرموده و
 تلمیذ و شاگرد مولانا محمد باقر سبزواری بود علی ما فانه صاحب شذ و العقیان و تلمیذ
 مولانا محمد صادق از وی روایت داشته چنانچه بحر العلوم سید مهدی طباطبائی
 در اجازه سید محمد زین سید علی الموسوی بقرب ذکر مشایخ خود آورده که از جمله ایشان

سید سید وحید و عالم ادیب و فقیه ابراهیم سید حسین نیرنسا ربیع و او را شیخ محدث فقیه فاضل المصنف
 محمد صادق بن فاضل علامه مولانا محمد بن عبد القدر صاحب المشهوره ابراهیم و او را زوال خود و او را
 شیخ خود افضل اکمل علامه علمای محققین و زبده فقها و مجتهدین مولانا محمد باقر بن محمد بن
 الخراسانی روایت دارد محمد قاسم سبط مولانا محمد التکا بنی الشیخ بالسر ابراهیم
 در شذ و ر العقیان مسطور است که مولانا محمد قاسم سبط محمد التکا بنی عالم فاضل و
 صالح بود عبد الباقی بن محمد حسین بن محمد صالح حسینی در اجازه خود که برای سید
 طباطبائی لقب به بحر العلوم قلمی فرموده و بتقریب ذکر مشایخ خود آورده که المولی الامام
 والفاضل الیوم مولانا محمد قاسم سبط المولی المدقق والخبیر المحقق مولانا محمد
 التکا بنی الشهید بالسر ابراهیم عن السید المؤید و الاید المسدد السید حسین بن
 السید صالح الحسینی عن جده القمقام عن صاحب البحار الی اخره محمد قاسم بن
 محمد رضا الهزار جری صاحب شذ و را آورده که مولی محمد قاسم مذکور مشهور بفضله و علم
 بود صاحب تالیف و تصانیف است و از جمله کسانی که نسبت دامادی با خود ملام محمد باقر
 مجلسی علیه الرحمه داشتند بود و کما ذکره الملاحید علی المجلسی فی اجازه لبنیه و ملام محمد باقر
 هزار جری نفعی در اجازه خود که برای سید مهدی طباطبائی قلمی فرموده و بتقریب ذکر مشایخ
 خود آورده و منهم الشیخ الفاضل الکامل لفقیه الرضی المرضی مولانا محمد قاسم
 بن محمد رضا الهزار جری و تاریخ کتابت اجازه مزبوره سنه خمس و تسعین و مائة و الف
 بود میرزا کمال الدین محمد بن محمد معین الدین الفسوی الفارسی المشهور بمیرزا
 کمال او داماد خود ملام محمد نقی مجلسی بود چنانچه ملاحید علی مجلسی آورده المولی العلامة
 میرزا کمال الدین محمد بن محمد معین الدین الفسوی الفارسی المشهور بمیرزا کمال
 صاحب شرح الشافیه طاب ثراه کان فقیها عالما مفسرا دیبام تکلم الشیخ
 ابن الحاج عبد الحسن المنافی البحرانی در شذ و ر العقیان ذکرش بدین عنوان آورده

الشيخ الجليل والعالم النزيل الا واحد الامجد المسدد الا سعدا لمعرفت بالكمال
 والا فضال والموصوف بالا د ب والا جلال مولانا الفاخر ناصر بن الحاج عتبة ^{الحسن}
 المناق الجرائف قواعليه ابو محمد عبدالله بن محمد بن حسين بن محمد الشوبكي الخط كان
 في حدود العشر الخامسة من المائتين الثانية من الالف الثاني انتهى الامير محمد صالح
 بن عبدالواسع الحسيني تقاتون ابادي اذ اكا بر فضلا و اعظم كمالا بود تلميذ و داماد اخو
 ملا محمد باقر مجلسي ست دي دراصفهان شيخ الاسلام بود سبط امير مدوح امير عبدالباقي دراجاه
 خود که برای بحر العلوم طباطبائی نوشته میفرماید و نیز خبر داده من و الدمن طاب تراه از قاله خود
 فاضل کامل علامه و محقق مدقق فنامه نخبه فقها و متکلمین و زبدة فضلاء و مجتهدین و اکمل علمای
 ربانیین شیخ الاسلام و المسلمین الواصل بر حمته ربه الغنی امیر محمد صالح ^{الحسن} حشره المدوح صالح
 المومنین و متع بالباقيات الصالحات یوم الدین و او از جد مادری من اخوند ملا محمد باقر مجلسی
 رحمه الله روایت داشته طبیب الله تعالی رحمه و صاحب تولوه آورده که افضل از من و او بر اصحاب
 ایمان عالم علامه و محقق فنامه سید اجل فضل امیر محمد صالح ^{الحسن} از اخوند مجلسی روایت ارد از تصنیفات
 او کتب عدیده و صحف سیدیه است از این کتاب ذریعة النجاح در اعمال سال فارسی که اقاله مولانا
 حیدر علی فی اجازه و از تلامذه امیر موصوف ملا ابو الحسن شریف عالی بنیالمی که از روایت هم دارد و از بعضیا
 شیخ احمد بن اسماعیل خراسانی که از تلامذه ملا ابو الحسن مکرر است از ملا صاحب موصوف بلا واسطه تا خود
 روایت داشته که ما موصوف فی کلام شیخ یوسف البحرانی المولود و شیخ علی آئین در رساله سوانح خرمی خود که تاریخ
 تصنیف آن شبه بکنزار و یکصد و پنجاه و چهار هجری است چنین آورده که ی فضل امیر محمد صالح شیخ الاسلام ^{الحسن}
 حاوی علوم شرعی بود و روزگاری بفرزیه داشت و قبلا رساله ^{الحسن} صفهان قافیة یافت و چند کلام از او
 نیز بود فضل آراسته بودند قریب بحال خرمی و رگد شمشاد ^{الحسن} از سلسله مراد از سلسله صفهان آنست که ^{الحسن}
 که از مدتی بر بلده قندار سلطنت شده بودند بالشکری و فور دست غارت و قتل بر بلاد ایران را نمودند
 و در اوائل شبه بکنزار و یکصد و سی هجری بر سلطان حسین صفوی حروج کرد و مدو قریب کیسال

دارالسلطنه اصفهان را محاصره صعب نمودند تا آنکه ماکولات در آن شهر نایاب گشت و خلق
 بسیار از سختی هلاک شد و پادشاه پسر خود طهاسب ثانی را با چندین مفران بسوی قزوین فرستاد
 پس اققان در اوائل سه خیمه و ثلثین و مائة و الف داخل شهر شده خطبه بکنام رئیس خود که دند و سلطان
 مذکور را مجبوس کردند و بعد ازین سانحه بدو سال او را گشتند امیر محمد حسین بن الامیر
 محمد صالح الخاتون آبادی فرزند ارجمند شیخ الاسلام امیر محمد صالح خاتون آبادی سابق الذکر
 است و از مشایخ خود اجازات یافته و اعظم مشایخ آنجناب جد مادری او جناب اخوند ملا محمد قز
 مجلسی علیه الرحمه صاحب بحار الانوار چنانچه فرزند ارجمند او امیر عبدالباقی حسینی در اجازة
 خود که در سنه ثلث و تسعین بعد المائة و الالف برای بحر العلوم آقا سید مهدی طباطبائی نوشته
 در مقام ذکر آنجناب میفرماید که جناب والد من و مولای من و سید من و شیخ من و استاد من و
 مستند من در علوم عقلیه و نقلیه و دلیل من بطرف مسالک دین بین بلکه ذریعه من بجانب
 مناج حق و یقین شیخنا الاعظم و مولانا المعظم سید سید فخرم و فقیه نبیه اکرم مرجع فضلالی زمان
 و مربی سلمای اعیان مجمع بحر معقول و منقول منبع نشر علوم از فروع و اصول فخر الکلیین و النالیین
 زینت فقها و محدثین خاتم مجتهدین شیخ الاسلام و ملاذ المسلمین الامیر محمد حسین حشر الله مع اجداد
 المعطفین از شیخ وجد خود من قبل الامام اسان الشیعه و مروج الشریعه غواص بحار انوار حقائق و مشک
 اسرار و قائق رئیس فقها و محدثین خادم اخبار ائمه طاهرین افضل فقها و خاتم مجتهدین آیت الله
 العالمین شیخ الاسلام و ملاذ المسلمین مولانا محمد باقر المجلسی قدس الله روحه القدسی روایت کرده
 و ملاحظه در علی مجلسی در ضمن احوال پیرامین امیر محمد صالح میفرماید که پسرش علامه امیر محمد حسین که در تخریض
 مولانا باقر مجلسی است هم صاحب تصانیف بوده و بواسطه پدر خود اجازة سائر روایات
 و تصانیف مولانا مذکور داشت و از تالیفات امیر محمد حسین مذکور فهرست کتب مصنفه اخوند محمد باقر
 مجلسی علیه الرحمه است و نقل کرده اند که امیر محمد حسین نیز در زمان خود شیخ الاسلام در اصفهان بود
 و بخدمت اخوند مجلسی که جد مادری او بود تربیت یافته و بخدمت پدر خود تحصیل علم تمام کرده بود

و در مرآة الاحوال جهان ناسطورست که آن عالی جناب در علوم معقول و منقول فضائل مآب
 و در اکثر فنون علمیه خاصه در فقه و حدیث مرجع اولوالایباب بود و در نظر خواهی عباد و انجاء مطالب
 کافه مومنین دمی تغافل نمیفرمود و در دارالسلطنه اصفهان برحمت ایزدی پوست و د تذکره
 ریاض الشعر تالیف علی قلی خان و اله مسطورست که میر محمد حسین خلف فاضل مرحوم میر محمد صالح
 شیخ الاسلام اصفهان و دختر زاده مرحمت پناه محمد باقر مجلسی علیه الرحمه است اصل میرزا و میرزا خان و میرزا
 که دو فرسنگ اصفهان واقع شده و آن فاضل مغفور تحصیل علوم از خدمت والد و جد مرحوم و فاضل
 کامل اقا جمال بن آقا حسین خونساری و سایر فضلاء عصر نموده درین شباب برتبه عالیة فضیلت
 رسیده با فادیه و نشر علوم اوقات مصروف میداشت بانشاء شعر مربوط بود و خط نیکو می نوشت
 در سنه یک هزار و یکصد و پنجاه و یک هجری در اصفهان بجوار رحمت اعلیٰ پوست و نقش اورا بشهد
 مقدس نقل کرده در جوار حضرت امام رضا علیه السلام مدفون ساختند بها و الدین محمد بن
 تاج الدین حسن الاصفهانی از مشایخ معتبرین و اعظم محققین لقب بفاضل هندی از زاده
 اصفهان بیلا و سندوستان آمده مدتی اقامت داشت لهذا منسوب بشهد شد ولادت با سعادت
 آنجناب در سنه ثمانین و ستین بعد الالف است از جمله تصانیف مشهوره اش در فقه کتاب کشف اللثام
 در شرح قواعد الاحکام است همچنین کتاب مناجات النبویه فی شرح التروضه البهیه شامل بشرح و حاشیه
 کتاب لعه است که شهادت بر فضل و کمال و تبحر علوم او دارد و تا بیخ ختم تصنیف کتاب کشف اللثام
 سنه یک هزار و یکصد و پنجاه و یک هجری است که تا قبل و در اوایل کتاب مذکور فرموده که من در وقتیکه از
 تحصیل سایر علوم معقولات فارغ شدم عمر من بسیزده سال تمام نرسیده بود و پیش از تمام یازده سالگی
 شروع بتصنیف نمودم و کتاب مینة الحریص علی فهم شرح التلخیص را در زمانی تصنیف کردم که
 نوزده سال تمام از عمر من نگذشته بود و قبل از آن چندین کتب دیگر از متون و شرح و حواشی
 که زیاده از ده کتاب باشد تصنیف کردم از جمله کتاب تلمیح در علم بلاغت و توابع آن و کتاب
 زبده در اصول دین و کتاب النحو و الباریة در اصول شریعت و فروع آنها و کتاب کاشف و شرح

کاشف

عقائد نفسیه است و در عمده ساکنی شرح مختصر و شرح مطول را که بر کتاب تلخیص سعدالدین تقی‌زادانی
 مردم درس میگفتند انتی محصل کلامه و در رساله ملاحظه بر علی مجلسی تقریب ذکر جمعی که نسبت مصابرت
 و دامادی بخاندان اخوند مجلسی علیه الرحمه داشتند گفته است که از جمله منسوبین بمصابرت این خاندان
 بود مولانا علامه بهاءالدین محمد که مشهور بفاضل بندی است رحمه الله و از تصانیف او کتابهاست
 از انجمله شرح او بر کتاب قواعد مشهور است و شیخ محمد علی مزین در سوانح عمری خود بتقریب ذکر جمعی
 از علمای اصفهان که بصحبت ایشان رسیده بود گفته است که دیگر عمده المجتهدین مولانا بهاءالدین محمد
 اصفهانی است که مدتها بود که با فاده علوم دینی مشغول و در شرعیات مرجع اهل زمان خود بود
 و اخلاق بغایت ستوده داشت و چون در صغر سن با والد خود بنده افتاده بود بفاضل بندی
 مشهور بود قبل از حادثه اصفهان یعنی تسلط افغانه که در اوایل سنه یکزار و یکصد و سی و پنج هجری

واقع شد وفات یافت شیخ محمد بن یوسف بن علی بن کنبا الضمیری النعمی صلوات

البلاوی منشأ و مسکن البحرانی در قوایه البحرین مسطور است که شیخ محمد مذکور فقیه و عابد صالح
 بود و پیوسته بر کتاب مصباح شیخ طوسی که مشتمل بر آداب نماز شب و ادعیه است عمل می نمود
 و از تصانیف او ست دیوان شعرهای خوب مشتمل بر مرثیها و رمضات حضرت اهل بیت علیهم السلام
 و کتاب مقتل حضرت امیر المومنین علیه السلام در بعضی نسخ بجای آئین مزبور کتاب مقتل امام حسین
 علیه السلام سنه و شعر او بلوغ و نفیس بوده است و فائش در بلده قطیف در ماه ذی قعدة سنه ۱۳
 هجری واقع شد بحیث آنکه او و بلده قطیف قیام داشت و از انجا بسبب شوق معیشت بسوی
 بصره رفت در حالیکه بصره در قبضه تصرف خوارج در آمده بود اتفاقاً فتنه و فساد می در میان
 فرقه خوارج و لشکر عجم واقع شد پس جماعت عجم کشته شدند و شیخ محمد بن یوسف بحرانی مذکور بحیرت
 بسیار مجروح شد و او را بسوی قطیف بردند بعد از ایام قلیله بر حمت الهی پیوست و در قریه
 چنانکه مدفون شد و او از مولانا محمد باقر مجلسی علیه الرحمه بلا واسطه اجازه روایت احادیث داشت
 و هم از سید محدث سید نعمت الله بن سید عبدالله شوشتری و شیخ محمد بن ماجد بن مسعود بحرانی و شیخ

سليمان بن عبد الله بجراني رحمه روایت داشت و شیخ عبد الله بن صالح بجرانی از شیخ محمد بن یوسف
 مذکور روایت دارد مولانا محمد فاضل بن محمد مهدی المشهدی فاضل کامل و عالم عامل
 از تلامذه شیخ حرعالمی و اخوند محمد باقر مجلسی علیهما الرحمه بود و از هر دو بزرگوار اجازة مبسوطه یافته
 از تصانیف اوست شرح از جوهر شیخ حرعالمی و غیره و چنانچه در امل امل ذکرش آورده که مولانا
 محمد فاضل بن محمد مهدی المشهدی فاضل کاسمه صالح شاعر معاصر شرح از جوهر فی التی
 نظمیهای المواریث مؤلف گوید شیخ حرعالمی در مشهد مقدس بنام ملا محمد فاضل مذکور اجازة
 نوشته که تاریخ کتابش او هشت شعبان سنه خمس و ثمانین بعد الالف است و اجازة بنده کورده
 چون مبسوط است بقل بعض عباراتش اکتفای نماید اما بعد فان العلم اشرف الخصال
 و اكمل الکمال و احسن الجلال و اجمل الجمال و لا ریب ان اشرف العلوم کلها علم
 الدین الذی به هداية المشرشدین و وقع المعاندين و منه يعرف الاحکام
 الشرعية و هو الوسيلة الى حصول السعادة الدنیویة و السعادة الاخریة اعنى
 ما یجب العمل به و الرجوع الیه من الکتاب و السنة و ما یتوقفان علیه و قد صرف
 الی ذلک انظاره الدقیقة و وجه الیه افکاره العمیقة و بذل فیه جملة و جادة
 و استفرغ و کداه و کداه المولى بجلیل النبیل الفاضل المحقق المدقق مولانا
 محمد فاضل و لد الصالح التقی مولانا محمد مهدی المشهدی و فقه الله تعالی
 لمراضیاء و جعل مستقبله خیرا من ماضیه و قد قرأ عندی ما یتسر قرأتها
 و هو کتاب من لا یحضره الفقیه من اوله الی اخره و کتاب الاستبصار ایضا بتامه
 و کتاب صول الکافی کله و اکثر کتاب التهدیب و غیر ذلک الخ الاجازة و مولانا
 محمد باقر مجلسی علیه الرحمه و زویل اجازة خود میفرماید انی لما فرزت بتقبیل عتبة مولای
 و مولی المؤمنین و سیدی و سیدنا المسلمین و بضعة سید المرسلین و قرع عین
 اشرف الوصیین و خازن علم الاولین و الاخرین و مختلفه سالکة السموات

والارضين ثامن الائمة الطاهرين علي بن موسى الرضا المرتضى صلوات الله عليه
وعلى آباءه الطاهرين وذريته الا نجيبين كان من بركات تلك البقعة المباركة تشرفني
بصحبة المولى الاولي الفاصل الباذل البارح الكامل التقى الزكي جامع فنون
الفضائل والكلمات حائز قصبات السبق في مضامير السعادات اختار من خلا
احمد هاو من الشئون اسعد هاو من السبيل اقصد هاو من الاطوار اشدها نجمل
المشايخ العظام وسليل الافاضل الكرام اعنى لخبير العالم العامل الشيخ محمد فاضل
زاد الله في فضله واكرامه واسبغ عليه من جلائل انعامه فوجهته قد قضى وطرة
من العلوم العقلية وامعن نظره فيها واستولى حظه منها ثم اعرض عنها صفحا
وطوى عنها كسحا واقبل بشراشرة نحو علوم ائمة الدين سلام الله عليهم اجمعين
ويصح اخبارهم ويدير في اناهم غير متيال بلومة اللامئين ولا خائف من عدل
العادلين فقصر عليها صمته وبيض فيها لنته فكان من كرام اخلاقه وطيب عراقه
انه دام نبيله بعد ان عقدت افادته المجالس وقضيت لافاضته المحافل اتاني
بحسن ظنه وان لم اكن لذلك اهلا للحق واليقين طالبا وفي علوم مواليه عليهم
السلام وانجا فقرا علي سطر اوافيا من كتاب الكافي والتهذيب من مؤلفات
الشيخين البجليين الثنتين اذ اضلين الكاملين ثقة الاسلام محمد بن يعقوب الكليني
وشيخ الطائفة المحقة محمد بن الحسن الطوسي قدس الله روحهما وكتاب بحار الانوار
من مؤلفاتي وغيرها من كتب الاخبار الماثورة عن الائمة الابرار صلوات الله
عليهم على غاية الشجع والتفجع وفاوضني في كثير من المسائل الشرعية في مجالس عديدة
ينظره القريب وفكرة الاينق فلم يكن في كل ذلك افادته لي قاصرة عن استفادته
عنى بل كان رضى فامرني زيد فضله ان اجيزله رواية ما جازت لي واياته واجازته
وان كان قد ادرك اكثر مشايخي واستفاد من بركات انفا سهم كوالدي للعلامة

قدس الله روحه من برعة تلاميداه ونحو لهم ومن قرءوا صحابه واصولهم فاستخرج
 الله تعالى واجزت له الى اخوا اجازة مولانا محمد ابراهيم اليوناني از تلامذة اخوند
 ملا محمد باقر عليه الرحمه بود وتولف شذو والعقيان آورده كه مولانا محمد ابراهيم اليوناني فاضل و
 عالم و فقيه و محدث بود و از مولانا محمد باقر مجلسي عليه الرحمه اجازة روايت دارد و مولف
 شذو و راز اجازة مذكوره اين عبارت نقل فرموده كه دلالت بر فضل و كمال محمد ابراهيم موصوف
 دارد و آن اين است قرآن المولى الاجل التقى الفاضل الكامل اللوذعى صاحب
 الفكر والحديث المجتهد في تحصيل مابدا كمال النفس ابراهيم الخليل المولى مولانا محمد ابراهيم
 اليوناني ممن اجهد نفسه في تحصيل مابدا النجاة من المعارف الدينية والعلوم اليقينية
 فخرج منها بخطط وافرو نصيب من كثر وسمع منى الاحاديث النبوية والاثر المصطفوية
 في الكفاية والتمس من داعيه وقت العزم على المفارقة والحقوق بمسقط داسة وضع
 انسه اجازة ما صح لي روايته من الكتب المشهورة بين اصحابنا رضوان الله تعالى
 عليهم اجمعين كاياتي عليه النبيه الكافي والتهذيب والاستبصار ومن لا يحضره ^{لفقيه} آ
 فاجزت له من ايتها بطرق الواصلة الى مولفها فلير والمشار اليه وفقه الله تعالى
 لمواضيه الكتب الاربعة بل ما صح له انه من مقرواتي ومجازاتي الخ الاربعة
 محمد اشرف الحسيني از تلامذة مولانا اخوند مجلسي عليه الرحمه بود و اجازة
 مبسوطه يافته چنانچه در وصف ابراهيم موصوفين عبارت است اجازة اخوند فرموده كافي و روايت
 اما بعد لما كان السيد الاية الموفق المسند العالم الفاضل الكامل الحسيني بالنسب
 المحيبي للبيبا لاديب لاديب الجامع بين شرف العلم والسيادة الفاخرة المحتو
 لكرائم الخصال المنتهية في الدنيا والاخرة المنتهى و ابا الفخام من حملة العلم وسادة
 الدين والائمة المقدسين صاواة الله عليهم اجمعين غرة سماء الشرف والسيادة
 وبخمساء الفخر والسعادة الاخ لايماني والخليل الروح حاشرف السلف الاير محمد اشرف

اسبغ الله افضاله ووفقه العلماء امثال الخ كذا في شذور العقيان الامير محمد الاصفهاني
 صاحبين فضلاي متورعين وازملازمه مولانا محمد باقر مجلسي عليه الرحمه بود واز انجناب اجازه
 يافته صاحب شذور العقيان بعض اجازه اور نقل فرموده وآن اينست اني بعد ما تشرفت
 برهه من الزمان بصحبة السيد النجيب المحسب العالم العامل الفاضل الكامل
 السيد الرشيد التقي المتوقد الزكي الامعي شمس بهاء الكمال وغرة سبعا الفضل
 والا فضال الموفق في عنفوان شبابه لاقتناء المعالي الواصل كذا يامه بسهر
 الليالي الغواص في بحار الانوار الخائض في لجة الافكار الاخ في الله امير محمد الاصفهاني
 بلغه الدارين على مدارج الامال والاماني وجد بيني وبينك كثير من المسائل التي
 فافضته في جمع غفير من الاخبار النبوية فاستجاز في دامت ائمه وكان لذلك
 اهلا فاستخرت الله تعالى واجزت له دفع الله قد ركان يروي عنه كما صح لي روايت
 واجازته الى اخر الاجازة وتاريخ كتابت اجازه مذكوره سلخ شهر رمضان المبارك سنة
 اثنتين وثمانين بعد الالف بود كما في الشذور واصل العالم بحقائق الامور ابو الشرف
 الاصفهاني از فضلاي زمان بود روايت حديث از مولانا محمد باقر مجلسي عليه الرحمه اشتهر صاحب اهل
 اورده كه ابو الشرف اصفهاني عالم وفاضل ست واز مولانا محمد باقر مجلسي روايت حديث
 دارواستى كلامه الشيخ محمد الارويلي مؤلف شذور آورده كه مى از كبار صاحبين واولياي متورعين بود
 مولانا عبد العلي طباطبائي بر حاشيه كتاب اهل اطل آورده كه از جمله كسانيكه ذكر ايشان در نيقام
 در ذيل اسامى محمد بن بايد نمود شيخ محمد ارويلي تلميذ محقق مجلسي ست از تصانيف اوست كتاب
 كبير در علم رجال موسوم بجامع الرواة ورافع الاشتباهاست لكن كتاب مذکور زعيم معروف ست
 و محقق مجلسي در اجازه اش مي فرمايد سميع متي المولى الفاضل الكامل الصالح الفالح التقي
 النقي المتوقد الزكي الامعي مولانا حاج محمد كه لا راجح بيلى و فقده الله تعالى للعرج على
 اعلى مدارج الكمال في العلم والعمل وصانه عن الخطأ والخطل كثيرا من العلوم البديية

والمعارف اليقينية كما سماها كتب الاخبار والخبر ما قال ومولانا عبد العلي طباطبائي سيفر ما يدركه هرگاه
 مطلع شدم بر کتاب شیخ محمد مذکور یعنی جامع الروات ویا فتم در آن احوال جامعتی از علمای
 معاصرین و فضیلتی قریب العصر شیخ مذکور را پس بر حاشیه این کتاب یعنی اعلی درج ساختم
 تشییداً لبقا و اساساً میهم و لکنی بستیفید بداء من ربی باید عولهم عند ذکرهم
 انتقی کلامه مولانا محمد حسین بن یحیی النوری از تلامذة ثم المحدثین اخوند ملا محمد باقر
 مجلسی علیه الرحمه بود از مولفات او رساله ایست در صلوة مسافر و دیگر لمخص ربع آخر از مجلد
 کتاب مسجدیم بحار الانوار که مشتمل بر بقیه احکام صلوة است و نسخه مزبور که بخط مؤلفش علامه حسین
 مزبور بود بنظر مؤلف رسیده تقریباً چهارده هزار بیت بوده باشد در آن مجلد بسیاری از افادات
 و تحقیقات خود درج فرموده که دلالت بر فضل و کمال او دارد خصوصاً در شرح و معانی سوره
 که داخل مجلد مذکور نموده و دیگر افادات خود بر حواشی همان کتاب درج ساخته و در اول
 آن نسخه فهرست ابواب کتاب مزبور را که مشتمل بر چهل و دو باب ساخته بخط خود نوشته
 و در آخر آن عبارت میفرماید بقول هذه الابواب المزبورة في الفهرست اخرجنا
 منها نصفها اعنى واحدا وعشرين التي رقنا عليها علامة ^{مصححة} و دعاء السماء
 في باب التاسع عشر وادرجناها في كتابنا الاثني ابواب فاننا ادرجناها في رساله
 عليها الفناها في صلوة المسافر و قد غيرنا ترتيب بعض الابواب لاسرود عانا اليه
 و در آخر مجلد مذکور میفرماید رقم ما سردنا استخراجاً من ابواب المجلد الاخر و کتاب الصلوة
 من بحار الانوار للحقق العلامة مولانا و استاد نا محمد باقر علم الدين المجلسی عبد الله
 تعالی مجلسه فی اعلی علیین فی لیلة السادس و العشرين من شهر رمضان
 المبارک سنة سبع و عشرين و مائة بعد الا لفا لجزية على مهاجرها و الا
 الوفاء للثناء و التحية على يد المقسك بالمصطفين ابن يحيى النوري محمد حسين
 حاملاً مصلياً مسلماً تسليماً كثيراً كثيراً الحاج محمد تقی الطوسی از تلامذة اقا جمال

خوشنویسی بود از تصانیف اوست حواشی بر کتاب **الاحکام** و ترجمه او **عمیه ابام اسبوع** چنانچه
 شیخ عبدالباقی قزوینی در **تکملة اهل اهل** آورده که حاجی محمد الطیبی من تلامذة العلامة
 جمال الدین محمد خوشنویسی و کان من اهل الفضل العلم و رایت منه حواشی علی کتاب
 المداد که وقد ترجمه عینک الاسامیع و کتب فی الحاشیه ما یرفع ابهام ما ابهم
 من عبارات الادعیة و قد احسن فیها انتقی کلامه السید احمد الطباطبائی
 الاصفهانی صاحب **تکملة اهل اهل** آورده که سید احمد مذکور فاضل مکرم و عالم بهجلی فقیه
 منظم بود همه اهل علم اقرار و اذعان بفضله او داشتند و سید احمد موصوف نبات مشهور و
 در وقت خود چنانچه بعضی نقاشان بسمعی رسیده ملا ابوالحسن شریف بن محمد طابری
 عبد الحمید النباطی العالی المجاور بالنجف الاشرف حیا و میتا منسوب است
 بسوی نبات که از توابع بله جبل عامل باشد کما قبل و در لؤلؤة البحرین مسطور است که ملا ابوالحسن
 مذکور فاضل محقق و مدقق و ثقة و صاحب بود و مجاور نجف اشرف در حیات خود بود و بعد از
 وفات هم در آنجای اقدس مدفن یافت و از ملا محمد باقر مجلسی و شیخ حر عاملی و غیر ایشان روایت
 احادیث داشت و سید محمد بن علی بن حیدر عاملی از ملا ابوالحسن مذکور روایت دارد و اینها
 شیخ یوسف میفرماید که پدرم چون در سال کبیر از و یکصد و بیست و پنج هجری زیارت نجف اشرف
 مشرف شد بلافاصله ملای مذکور رسید و میان پدرم و میان او بحث در مسائل جاری شد پدر
 و مادرش و جمعی از رفقا بحسب او بودند و پدرش در همین سال وفات یافت و قبرش در جوار
 حضرت کاظمین علیهما السلام است از تصانیف ملا ابوالحسن مذکور است کتاب **فوائد الغزویة** مقصد
 از کتاب مذکور که متعلق با اصول فقه است نزد من هست و آن کتاب نیز متضمن اصول
 و قوانین مستفاده از احادیث و مثل بر اباحت رائقه و تحقیقات فائده است که بر علوشان علم
 معقول و منقول و دستگاه عظیم او در مسائل فروع و اصول سنادت دارد و تا پنج فروع او
 از تصنیف مجلد اصول چنانکه در آخر آن ذکر نموده است سنه کبیر از و یکصد و دو از دو هجری است

و دیگر از تصانیف او رساله در مسئله رضاع است که در آن قول بتمیزیل را اختیار کرده است
 و دیگر شرح بر کتاب کفایه ملا محمد باقر خراسانی است که از کتاب التجارة شروع فرموده و پاره
 از آن را دیده ام و گمان دارم که زیاده از آن تبصیف شرح مذکور نه پروانته و دیگر شرح بر کتاب
 مفاتیح ملا محسن کاشانی است که از کتاب شریقه الشیعه و دلائل الشریعه موسوم ساخته است
 و پاره از آنرا که مشتمل بر شرح باب اول است دیده ام و تاریخ فراغ از تصنیف شرح باب یکم که
 در آخرش نوشته است اوائل سنه یک هزار و یکصد و بیست و نه هجری است و آن کتاب بر فضل
 و تحقیق او داد بر بودنش بدار احادیث که مصون از لغزش و خطاست گواهی میدهد انتی
 و ایضا شیخ یوسف در رساله مذکوره آورده که شیخ احمد بن اسماعیل جزائری در رساله خود گفته است
 له من بطریق قرأت و سماعت و اجازه از استاد خود و خاتم العلماء الماضین شیخ اجل اعظم
 شیخ ابوالحسن بن محمد طاهر مذکور روایت دارم و او از جمعی از علمای عظام و فضلاء ای اعلام بطریق
 اجازه روایت داشت از جمله ایشان مولانا محمد باقر مجلسی علیه الرحمه و شیخ اعظم شیخ عبدالواحد
 بن محمد بورانی تمیذ شیخ فخرالدین طریح نجفی ره و شیخ اجل اکمل شیخ صفی الدین پسر شیخ فخرالدین کج
 نجفی و شیخ اجل فضل شیخ احمد بن محمد بن یوسف بحرانی و سید اجل فضل اکمل میر محمد صالح بن
 عبدالواحد حسینی بوده اند که هر یک بواسطه اساتذہ خود از علمای ملت روایت داشتند
 انتی کلامه القاضی محمد الدین الدیر فولی وی از افاضل زمان و قضاء عصر و او ان خود بود
 شیخ علی حزین در تذکره خود نوشته القاضی الفاضل محمد الدیر الدیر فولی در قول بلده ایست از
 توابع شوشتر قاضی محمد الدین قاضی آنجا بود و از بدایت تحصیل مطالب علمیه را نزد علمای حوزة
 و شوشتری نموده فقه و حدیث را از سید نعمت الدین جزائری علیه الرحمه استفاده فرموده بهر تبحر
 کمال رسید و کمر باصفهان آمده در صحبت علما و ارباب هنر سپری کرده درجه بلند یافت بسی نکون خصال
 و ستوده فعال و لطیف الطبع بود در انشا بنیات مایه و در شعر نیز سلیقه درست داشت اگر چه کم
 لکن آنچه میگفت خالی از لطفی نبود مدت با این فقیر امیس و جلس و در بعضی امفار فاقت نموده

چند سال قبل از تحریر و فاش مسوع شد اسکنه الله فی جواد کامع الصّٰیقین در قول برال
 مهله مکسوره و زای بجه ساکنه دفای مضموم دو او و لام ساکن کذا سمعت من بعض الافاضل
 و در تحفه العالم مسطور است لفظ در قول فارسی است بمعنی قلعه با قلابچه و قلعه را و قول با قلاب
 نامند و چون در آن شهر کشت و زرع با قلاب بسیار و اکل با قلاب نیز در آن دیار زیاد و از سایر بلاد
 است باین اسم موسوم گردید مولانا کمال الدین حسین الفسائی از کلمای عصر خود بود
 شیخ علی حزین در تذکره خود نوشته که الفاضل الکمال کمال الدین حسین الفسائی از افاضل شاگردان
 حضرت علامی مسیح الانام فسائی بود توفیق استفاده از بسیاری علمای اعلام در یافته بمساعدت
 الطاف الهی و کمال استعداد ذاتی براتی مجد و علا و اعلی رتبه علم و تقوی صاعد گشته کاشف
 معضلات ادائل و حلال غوامض مسائل بود و در علوم معقول و متعین کامل و در معقولات فسطی
 وافی حاصل نموده تا پایان عمر سعادت فرجام با فاضله افاضل و تحسیر بر فوائد و مصنفات
 عالی اهتمام فرمود و از آثار ترقلم مشکین رقم او کتاب شواهد است بر مطول که در مقام خود مثل آن نسخه
 ندین نیافته و عاشره که بر معالم اصول تحریر فرموده و رساله شریفه دیگر در حل شبهات کاتب فرزونی
 نوشته را هم حروف کتاب معنی اللیب را با تفسیر صغیر عروه الاسلام شیخ ابو علی طبری علیه الرحمه
 و بعضی مقاصد دیگر در حضور بایر النورث قرأت استفاده نموده تا آنکه هنگام محاصره اصفهان
 در سال هزار و یکصد و سی و چهار به دارالقرار و جوار رحمت آفریدگار مقام اختیار فرمود و چون
 از بدایت تحصیل پرورش یافته حجر تربیت علامی علیه الرحمه بود بنایت خوش تقریر و نیکو نگارش
 و در شعر و انشا انگشت ناوید بیضامی نمود قصیده خاقانی را که حدش نیست
 دل من به تعلیمت و من طفل زبان دانش خوش لبان فرموده و بصیقل اندیشه زنگ از دلهای
 سخن سخا از زده و ملا محمد رفیع المشهدی مخلص باؤل از شاعران مقبول و مداح خاندان
 رسول و سرآمد ناظران فحول بود کتاب حمیدری از مصنفات او مادگار و مشهور بر دیار و اقصاء
 مشرقه السمرقندیه من الائمة الاطهار در بعض تذکره مسطور است که محمد رفیع خان باؤل مخلص

ملا رفیع باؤل
 صاحب کتب

از سلسله مرزا جعفر مشهدی در زمان عالمگیر پادشاه با خال خود محمد طاهر مشهدی معروف بوزیر خان
 از مشهد مقدس وارد هندوستان گردید مدتی بدیوانی شاهزاده محمد معزالدین پسرزاده آن
 پادشاه مغفور اشتغال داشت در اواخر قلعہ داری گوالیار ماور بود چندی بخراسان
 آن قلعه آسمان پیکر قیام می نمود بعد از فوت عالمگیر پادشاه از آن منصب معزول گردید
 و در آن خلافت شایمان آباد عزالت نیز واگزید در شهر سنه هزار و یکصد و بیست و نخت
 بقا ازین دار فانی بساحت جاودانی کشید **جامهر علی** بختیش واد پنهان ریخت فوت او یافته
 از آثار طبع سخن پرواز است آنچه بر معجز روزگار مانده کتاب **حله جدری** است که بسبب فرط شهرت
 و زعیمت طباع رقم نسخ بر شاهنامه حکیم فردوسی کشیده هر چند بحسب لفظ در جنب شاهنامه حکم چراغ
 پیش آفتاب دارد اما نظر بر تبه معنوی که مشتمل است بر آیات معجزات **اسد العالی** علیه السلام
 و مفاد بسیاری از احادیث بوی دوران بندرج است **محمد** هزار شاهنامه بهای یک سینه نیز
مولانا محمد با دمی از افاضل عصر خود بود **شیخ علی حزین** مسطور است **الادیب** **المناد**
باو اب المبادی الموسی محمد با دمی از مشهد مقدس رضوی در اصفهان مقام اختیار نمود روزگار
 دراز در آن بلده بصفای وقت بصاحبیت **اسد قواد** افادۀ معارف سپری ساخت الحق
 از جمله اعظم ارباب عمامم بود و خصال حمیده اش کمال بغایت خوش صحبت و شیرین مقال
 و بار اقم این مقال سالها اش و اتصال داشت در سال هزار و یکصد و سی و چهار ازین دار
 بیقرار بعالم انوار پیوست اگر چه طبع بانثاد شعر گاه گاه می گماشت اما از بدایت حال
 باین شیوه میل و زعیمت نموده و هر صنفی که در سخن سرانی داشت نذارک آن بسخن
 پرسی **والنذرا** از آن فرموده **مولانا حبیب الله** در تذکره علی حزین مسطور است **العارف**
بأسد المولی حبیب الله طالب تراه ساکن عباس آباد اصفهان و در عقلیات مشهور زبان
 بود نتایج افکار حکما را با معارف اصحاب شهود تطبیق نموده و بمشرب مسلک صوفیه انس
 و عادت گرفته بود شورش و مانعش را مرضی سوداوی علاوه بشد چندی از معاشرت

و تدریس باز ماند و بعلت حاجت مفیده باز بهمالی خود آمد و باز با فادیه مشغول شد با فقیران تمام داشت
در بهمان بلده بجز رحمت الهی رسید مولانا میرزا ابوالشیم الهمدانی در تذکره علی حزرین مسطور
الموتد بالفیض الربانی المیرزاها شمر الهمدانی علیه الرحمه قاضی بهمان و از نصیحت
شیرین زبان فکرتش صحیح و حدقش صریح و در علوم عقلی و نقلی با برع و حدت شعورش سیف قاطع
در هر فنی نکته طراز و در سرعت فهم و استحضار ممتاز مولدش بهمان و سالها در اصفهان بجد موفور
تحصیل علوم نموده بذروه کمال ارتقا یافت و در علم طب بفرط زمان شد محبتی خالص و داد
بافرطابین ذره ناقص داشت بعد از تکمیل و فراغت از تحصیل بهمان رفته با فادیه مشغول بود تا
در سائحه قتل عام که لشکر روم بر آن مرز و بوم استیلا یافتند در آخر عام هزار و یکصد و سی و شش
بسعادت شهادت فائز گشت مولانا صده الدین الجیلانی الرشتی در تذکره علی حزرین
مرقوم است المولانا صده الدین الجیلانی در بلده رشت است که ششنگاه سلاطین اسحاقیه گیلان بود
سالها در مدارس دارالسلطنه اصفهان با کتاب علوم مشغول و حاوی فروع و اصول گشته معاودت
گیلان نموده سودای عالی بنیاد تکمیل در فرازش بود در اتم حروف در سنه تسع و ثلاثین و مائه
بعد الالف که گیلان رفته عزم خراسان داشت نوبت دیگر در بلده رشت با مولانا ملاقات
نمود عمرش به هشتاد رسیده شیخ الاسلامی آن بلده بوی تعلق داشت و در خلال فراغ از مشاغل نظام
نظامت میگاشت اشعار خود را نزد این خاکسار آورد و بخواند و در اصلاح آن میکوشید مینا
اوست مولانا السید مرتضی العالی در تذکره شیخ علی حزرین مسطور است السید العالم
العامل نیز الافاضل السید مرتضی العالی از احفاد اجداد سید الفقهار و المحدثین سید محمد
مشهور است که صاحب کتاب باریک شرح شرایع است آن فاضل عالمی مقام عبیه اوده شهید ثانی
و زنده جاودانی است شیخ زین الدین علی العالی است قدس الله روحه با جمله مولد سید مرتضی
در پدرش دارالسلطنه اصفهان و کتاب علوم دینی و اقتدار معارف یقینیه در آن بلده
فیض توانان نموده از افاضل زمان بود با علوم عمیق و فقه و حدیث که میراث ایشان است

ما هر و طبعش با نشا و شعر قادر و علم تخلص آن نقاد و اکابر است چو ستر قم مودت شفاق
 این سراپا و فاق را بر لوح خاطر عرفان ذخائر نگاشتی و هرگز قدم از پرکشش و نوازش
 این خاکسار نکشیدی و دست از تسلیه این خاطر فاتر باز نداشتی تا آنکه نوای سفر عالم بغبار افراشت
 و حسرت بی پایان و داغ حرمان بر دل دردمند گذاشت **مولانا السید قاسم**
البروجردی در تذکره علی حزمین مسطور است السید الامامی سید قاسم البروجردی
 از سادات عالی درجات بروجرد است که بلده ایست و کتبا قریب بنا و نذ فقیر در
 بلده خرم آباد لرستان بود که آن سید سعادت منش از شهر خود که مسافت بیست و نرسنگ است
 بخرم آباد رسیده از حجت او مسرت تمام حاصل شد و با آنکه بیست و دو سال از عمر او
 گذشته بود از موطن خود و بجا سفر کرده و او را از افاضل دریافت تحصیل نزد فضائل مآب حاج
 عبدالغفور بروجردی نموده و حال آنکه او فقیر را دیده و بر تبه او واقف گردیده سید مذکور
 فائق بر استاد یافت ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء لی تکلف بوانی بو و از نواد در جهان
 آن بیاقت و استعداد و استقامت سابقه وجودت ذمین و سرعت فهم و حدت شعور
 و اختصار بعلوم متداوله که دیده بود که اکثر اتفاق افتد مدت چهار ماه پیوسته حاضر و معاش بود
 بشعر و معانی آن آشنا که بانکه تامل گفتی و پسندیده میگفتی باز بوطن خود عود نموده از ده
 سال قبل از وقت تخریب شده شد که بجهت جادوان انتقال نمود اتمی کلامه و مراد از وقت
 تخریب او آخر سال هزار و یکصد و شصت و پنج هجری است چنانچه در اول تذکره اشاره بان نموده
 پس بنا برین وفات مولانا سید قاسم در حد و دهن هزار و یکصد و پنجاه و سه هجری بوده باشد
والله بعلم القاضی نظام الدین الخونساری در تذکره شیخ علی حزمین مسطور است
 لعالم الفخر بالقاضی نظام الدین الخونساری و راصفیهان تحصیل علوم نموده بوطن
 خود بازگشت و الی لرستان فیله از کمالات او اطلاع یافته بنا بر التماس و اشتیاق بخرم آباد
 مدارالامارت آن ملک است توجه نموده شغل قضا و مرافعات آن دیار بخدمتش رجوع شد